

نگاهی به سندرم نتیجه فوری و پیامدهای آن

## یک شبه نمی توان ره صدساله رفت



آیا دوره صبروری و شکیبایی به سر آمده است؟ آیا دیگر نمی توان برای رسیدن به امری دلخواه زمانی را سپری کرد و تمام لحظه های آن دوره را به انتظار و اشتیاق گذراند تا روز موعود برسد؟ نگاهی به سبک زندگی انسان مدرن که با ولعی سیری ناپذیر در پی بلعیدن همه چیز در کمترین زمان است، نشان می دهد که صبروری در این روزگار در حال رنگ باختن است.

مطلوب دارد. همچنین واقع نگری این گونه است که بدون گذراندن مراحل لازم و کافی، نمی توان به چیزی دست پیدا کرد. بنابراین برای انجام هرکاری اول باید سنجه واقعیت را در دست بگیریم و ابرهای تخیل را کنار بزنیم تا انتخاب هدف واقعی باشد. از طرفی سندرم نتیجه فوری اثرات نامطلوبی بر روان انسان دارد که شاید در کوتاه مدت متوجه آن نباشیم. آثار سوء نتیجه زود هنگام را می توان چنین برشمرد؛ چون تصور ما طبق گفته تبلیغات بر این بوده که کاری که در یک ماه قابل انجام است، اگر ببینیم بیشتر طول می کشد به سمت انجام آن نمی رویم و فکر می کنیم ارزش آن مقدار صرف زمان را ندارد. در حالی که اگر مثلاً یاد گرفتن مهارت کار با یک نرم افزار یک سال زمان می برد، زمان بندی بر این اساس در نظر گرفته شده که فرد بعد از این مدت بتواند به صورت حرفه ای از نرم افزار بهره بگیرد و قابل بهره برداری باشد. حال بر مبنای چیزی که تبلیغات دروغین به ما گفته اند باعث می شود نتیجه را در یک ماه بخواهیم. اما در یک ماه فقط مرحله آشنایی با نرم افزار مورد نظر را طی کرده ایم. وقتی در یک ماه هنوز چیزی نیاموخته ایم، دچار سرخوردگی، نالایی بودن و هزاران حس بد دیگر می شویم.

اثر منفی بعدی این پدیده، رها کردن کار در نیمه راه است. وقتی ببینیم در مدتی که وعده داده بودند، به نتیجه نرسیدیم، آن راه را می کنیم و به راحتی می گوئیم من خواستم و نشد. اینچنین است که مناسبات سود جویانه، قالب ذهن و تفکر انسان را تغییر می دهند. واقعیت امر این است که تعریف خواستن چیز دیگری است. به این مفهوم که خواستن تنها یک برگ از درخت هدف ماست. بقیه اجزای آن نیز باید فراهم شود تا بتوانیم ثمره آن را ببینیم. با توجه به موارد یاد شده، در یک نگاه کلی درمی یابیم که چقدر کار نیمه تمام داریم که منشأ آن ها چنین تفکری بوده است. پس ضرورت دارد که با یک بازبینی دوباره و شناخت درست درباره منابع آگاهی مان، اهداف درست را به همراه صبر و تاب آوری کافی انتخاب کنیم.

تیرهای سندرم نتیجه فوری با بمباران از سوی رسانه ها مدام به سمت آدمی پرتاب می شوند. لاغری در یک هفته، آموزش انگلیسی در خواب، پولدار شدن با نیم ساعت کار در روز، ترک اعتیاد در دو روز و هزاران گزاره دیگر چیزهایی است که در این روزها از دست آن ها رهایی نداریم. مؤسسات تجاری در حوزه های مختلف تلاش می کنند تا از طریق این ترفندهای به ظاهر جذاب برای خود مشتری پیدا کنند. افراد بسیاری هم در این تله گرفتاری می شوند و با خیال دست یافتن به آب، پنجه بر خالی سراب می زنند. نگاهی به منابع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع نشان می دهد که یک شبه ره صدساله رفتن ممکن نیست؛ اگر هم باشد استثنایی غریب است نه قاعده ای فراگیر. ادبیات سرزمینی ما نقشی هزارگلی از معنای صبر دارد. صبروری فضیلتی است که در سایه آن می توان به اهداف تعیین شده خود رسید. البته باید این نکته را در نظر داشت که پیشرفت تکنولوژی باعث شده فرایند شکیبایی با امکانات و رفاه و مسیر پاخورده تری همراه شود. این موضوع ظریفی است که با نتیجه فوری گرفتن متفاوت است. با استفاده از ابزارهای نوین می توانیم دیدگاه های خلاقانه تری داشته باشیم و خروجی بهتری از تلاش و تکاپوی خود بگیریم.

### ■ پیامدهای نتیجه زود هنگام

میل انسان به کمتر فعالیت کردن در دوره زندگی ماشینی و تمایل برای به دست آوردن همه چیز، او را به سمت گرفتن نتیجه فوری رهنمون کرده است. اما این سندرم خطرناکی است و در صورت هوشیار نبودن گرفتاری های زیادی برای افراد به بار می آورد. هدر دادن هزینه و زمان کمترین آسیب های آن است. نگاه واقع بینانه به ما می گوید که داشتن همه چیز ممکن نیست، عمر کوتاه است و انسان هم توان محدودی دارد. اصلاً برای همین او قدرت انتخاب دارد تا بتواند بهترین چیزهای برآمده از تصورات خود را برگزیند. هر کدام از اهدافی انتخابی هم مسیر خاص خود را برای رسیدن به نتیجه